

سنگام

نشریه سازمان جوانان پیشگام ایران سال سوم
شماره ۴۵
اول مردادماه ۱۳۶۶ بها ۱۵ ریال

تشدید بحران و کشاکش در رژیم

بحرانی که سراپای جامعه ما را فرا گرفته است ، روز به روز بیچیده تر و بیخبرتر می شود . این بحران ، سوییژه تأثیرات مخرب جنگ خانمان سوز تمامی عرصه های حیات سیاسی ، اجتماعی و اقتصادی کشور را دربر گرفته و به تبع آن حاکمیت جمهوری اسلامی دستخوش بحران عمیقی است .

جنبه های بحران رژیم ، تشدید تضادهای درونی جناح های گوناگون رژیم بر سر قدرت است که سه علیرغم رنگ تفریح های کوتاه مدت هر بار شدیدتر از گذشته آغاز میشود . هر دو جناح حکومت در عین دفاع از موجودیت رژیم ، استبداد مذهبی و جنگ طلبی ، کمونیسم ستیزی و دشمنی با خلق ، در بسیاری از عرصه های سیاسی ، اجتماعی ، اقتصادی فرهنگی و حتی تعبیر و تفسیر اصول و موازین فقهی اختلافات عمیقی دارند . آنها پنهان نمی کنند که در راه قیام کردن انحصاری حاکمیت سرسرای ناسودی طرف مقابل تلاش میکنند و ابایی ندارند که در این جنگ قدرت با جلب حمایت امپریالیسم امریکا موقعیت خود را تحکیم کنند .

اکنون سرنوشته محسوس و مابینگه به وسیله کدام جناح قیامه شود ، موضوع جدیدی برای تشدید درگیریهاست . قابل پیش بینی بود که تضادهای ارگانهای ریز و درشت عقبه در صفحه ۴

به مناسبت سوومین سال انتشار سخنی با رفقای جوان

با انتشار این شماره نشریه " پیشگام " وارد سوومین سال فعالیت و رزم انقلابی خود می شود . انتشار منظم و بدون وقفه نشریه پیشگام در یکسال گذشته با شرایط دشواری همراه بود . رژیم جنایتکار خمینی با حملات پی در پی به صفوف پیشگامان ، با دستگیری و شکنجه و اعدام رفقایمان کوشید فعالیت انقلابی ما را متوقف سازد . اما علیرغم ضربات رژیم و محدود شدن ناگزیر فعالیت انقلابی در برخی عرصه ها ، فعالیت پیشگامان همچنان ادامه یافت و نشریه " پیشگام " با انتشار بدون وقفه خود ، همچنان پرچم مبارزه در دستهای رفقای جوان ما باقی ماند .

تشنج در خلیج فارس به سود کیست ؟

خلیج فارس در آستانه حوادث خونین و غیر قابل پیش بینی قرار گرفته است . دولت ریگان نقد دارد . از ۳۱ تیرماه با نصب پرچمهای خود برکنش های کوبیتی این کنشی ها را توسط ناوگان نظامی خود اسکورت کند . لشکرکشی دریایی امریکایه خلیج فارس به بهانه دعوت دولت کویت و تحت عنوان " تأمین امنیت کشتی رانی آزاد " در خلیج فارس صورت میگیرد . امپریالیسم امریکای استفاده از تشنج در خلیج فارس و در پس جنبش محلیایی تقویت آشکار حضور نظامی خود در منطقه و دخالت گستاخانه در مورد اخلی کشورهای در منطقه را دنبال میکند . بنابه نوشته روزنامه " بیور " برای این منظور امریکا بزرگترین ناوگان جنگی نیروهای دریایی بین اطلالی پس از جنگ دوم را در خلیج فارس مستقر ساخته است .

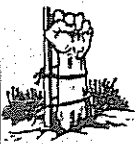
شهریه و مخارج کمروشن تحصیل

رژیم ارتجاعی خمینی که زمانی وعده " آموزش رایگان " میداد ، اکنون به هر بهانه بداخالی و غارت دانش آموزان و خانواده های زحمتکش آنها دامن میزند و شرایط تحصیل را برای میلیونها دانش آموز زحمتکش مشکل تر میکند . عقبه در صفحه ۲

در جهت گسترش مبارزات جوانان کشور علیه رژیم خمینی ، سهم موثری برعهده گرفت . فراخوان جوانان کشور به تشدید مبارزه علیه جنبه جنگ و در راه صلح از یکسو سرزد علیه دیکتاتوری و بجاخر آزادی از یکسوی دیگر ، جهات اصلی سیاست " پیشگام " را تشکیل میداد . مبارزه بی وقفه در این جهات انکسار خواسته ها و مشکلات جوانان و دانشجویان و دفاع بیکران از حقوق آنان و فعالیت آگاهانه در راستای آرمانها و اهداف انقلابی " سازمان جوانان پیشگام ایران " مشخص کننده سیمای " پیشگام " به عنوان بیشروترین نشریه جوانان در داخل کشور بود . با توجه به ضربات جنایتکارانه رژیم " پیشگام " کوشید وظایف سازمانگراانه و تشکیلاتی خود را به نحو علانانه تری دنبال کند . انتشار مقالات متعدد کارسازمانی گامیایی بود برای کمک به رفقای جوان مادر داخل کشور و فعالیت انقلابی خود را با موفقیت بیشتری دنبال کنند .

در شرایط سرکوب موجود مشکل بزرگ نشریه همچنان دشواری ارتباط متقابل با باشکده های جوانان و خوانندگان نشریه است . با اینجمله مکاتبات و اخبار و گزارشات روزافزون ارسالی برای نشریه ای از موفقیت " پیشگام " در برقراری بیسوند با رفقای جوان پیشگامی و گسترش تأثیر و نفوذ آن است . اینک در سوومین سال انتشار " پیشگام " عقبه در صفحه ۲

پس از انصاف قهرمانان ندرندان سیاسی زندانهای وین و گوهر دست درازدیده است ماه سال ، جلادان رژیم عملیات کینه توزانه و استقام جویانه علیه فرزندان قهرمان خلق را تشدید کرده اند . جان زندانیان سیاسی خطرناکست مبارزه برای نجات جان مبارزان سر رابها همه قوا گسترش دهید .



- ★ باتکمیم انحطاط یا اعتراض صفحه ۵
- ★ آهانهی خواهند چنگد صفحه ۶
- ★ دانشگاه در قیامه و استکل رژیم صفحه ۳

زنده باد صلح ، زنده باد آزادی ، مرگ بر خمینی !

لشکرکشی گستاخانه امریکابه منظره‌های کسه هزاران کیلومتر ازمرزهای آن کشور درواست ، موجی از اعتراضات بین المللی را برانگیخته‌است در برابر این سیاست تجاوزکارانه سیاست صلح‌آمیز اتحاد شوروی قرار دارد. اتحاد شوروی بکلی مجموعه‌ای از پیشنی‌ها داد و اقدای ما می که بتفصیح کاهش تشنج و برقراری امنیت در خلیج فارس است ، کوشیده است که بر سیاست نظامی گری امریکاکا لگام زند. اعلامیه دولت شوروی به تاریخ ۱۲ تیسر راه واقعی پایان دادن به تشنج در خلیج فارس را نشان داد. در این اعلامیه دولت شوروی اعلام داشت تمام ناوهای جنگی کشورهای غیر ساحلی در کوتاهترین مدت از آبهای خلیج فارس خارج شوند. ایران و عراق از عملیاتی که امنیت کشتیرانی بین المللی را تهدید میکند، خودداری کنند و بدون هیچ قید و شرطی به جنگ پایان دهند. این پیشنی‌ها ذاتاً حمایت گسترده نیروهای ترقیخواه سراسر جهان مواجه شده و فشار بردولت ریگان را بیش از پیش از پیش تشدید نموده است.

اعتراضی نسبت به اقدامات نظامی گرانه امریکا تنها به کشورهای سوسیالیستی و نیروهای صلح دوست جهان محدود نمیشود و درخورد کشورهای امریکایی لیستی و از جمله امریکا نیز مخالفت گسترده‌ای را برانگیخته‌است. اما ریگان علیرغم دشواریهایی که در این باره با متحدین ناتوی خود و نمایندگان کنگره امریکا دارد، اجرای نقشه‌های میلیتاریستی اش را همچنان دنبال میکند.

رژیم خمینی نیز علیرغم نیهایی بسیار در اعتراض به حضور ناوگانهای امریکایی در خلیج فارس با ادامه جنگ ارتجاعی زمینه ساز ملیتی اقدامات تجاوزکارانه امریکالیستهای امریکایی است. ادامه جنگ بزرگترین دستاویز برای امریکا داده است تا روز بروز بر حضور نظامی اش در منطقه و اقدامات توطئه گرانه خودبیا قرار دهد. رژیم خمینی که در بین روابط پنهانی رسوایش بکلی امریکا و اسرائیل و ساز برگردن نالیاست به میلیاردها دلار به کیسه امریکالیستها برای خرید سلاح و ادامه جنگ ، همچنان دم از مبارزه جویی با امریکا میزند، در قبال اقدامات امریکا به یک رشته اقدامات جنجالی دست زده است. به گفته سخنگوی سپاه جزایر بزرگ خلیج به صورت پادگانهای نظامی در آمده‌اند. هفت تیرماه مانور "ذوالفقار" در آبهای خلیج فارس انجام گرفت. سراسر رژیمدهها گردان به نام "شهادت طلیان خلیج فارس" به مرزهای جنوبی اعزام داشته‌اند. این حرکات و اعزامهای اجباری جوانان در واقع بخشی از سیاست زدن و جلوه نهایی در باره مبارزه رژیم با امریکالیسم است.

جوانان بیشکام و آگاه باید ماهیست جنجالی رژیم را که بنام "مبارزه با امریکالیسم" صورت میگیرد، فاش سازند. ادامه جنگ و این جنجالها جز دامن زدن به تشنج، بهره گیری امریکالیسم و ایجاد ماجراجوییهای خطرناک نتیجه دیگری ندارد. یگانه راه مقابله با توطئه‌های امریکالیسم در خلیج فارس و جلوگیری از اقدامات تجاوزکارانه آن قطع جنگ ارتجاعی ایران و عراق است.

شهریه و مخارج ...

گرفتن شهریه مجدداً رواج یافته است. سال گذشته گرفتن شهریه های بعضاً کلان را تقریباً اجباری کردند. امسال نیز وضع بر همین منوال است. سیزدهم خردادماه گذشته قائم مقام وزیر آموزش و پرورش اعلام کرد قبض‌هایی جهت "کمک مالی اولیا برای ثبت نام دانش‌آموزان" چاپ و در اختیار کلیه مدارس قرار گرفته است. وی هر چند میزان کمکها را اختیاری اعلام کرد، امسال همه میدانند که "کمک" های فوق همان شهریه اجباری است که تنها نام دیگری به آن داده‌اند در اکثر مدارس. در بعضی جاها آشکارا و در بعضی جاها به بهانه های مختلف تحت پوشش "ثبت نام دانش‌آموزان" مربوط به پرداخت این "کمک" ها میکنند. پرداخت شهریه عملاً اجباری شده و در شرایط فقر و تنگدستی با رستگین دیگری بسر دوش میلیونها زحمتکش نهاده است.

از سوی دیگر همزمان با نزدیک شدن بازگشایی مدارس، بار دیگر مشکل کیف و کتاب و نوشت افزار و ریوشن در برابر این میلیونها خانواده زحمتکش قد کشیده است. های وهوی رژیم در مورد توزیع دولتی نوشت افزار در سال گذشته شما ما دروغ و فریب بود. رژیم جز در آغاز سال تحصیلی گذشته ، آنچه در سطحی محدود، از توزیع نوشت افزار خودداری کرد و وجه دزدیها که دست‌اندر کاران مربوطه نکردند. ادعاهای روزغبین رژیم در مورد توزیع دولتی به گران شدن بیشتر قیمتها کمک کرد. چیاول بی رویه سرمایه داران و سودجویان و کمبود کاغذ و نوشت افزار، قیمتها را بنحو سرسام آوری افزایش داد. دانش‌آموزان و دانش‌آموزان در اوقات مجبور شدند نوشت افزار مورد لزوم خود را از بازار آزاد و به قیمت گزاف خریداری کنند. امسال نیز وضع بدتر است. خرید و سایل تحصیلی مخارج هنگفت و کم‌رکنی را بر خانواده های زحمتکش تحمیل میکند.

ادامه تحصیل روزبه روزگران ترودشوارترس میشود. این امر بویژه در شرایطی که بحران بیگاری و فقر پیدا میکند، هر سال دانش‌آموزان بیشتری را مجبور به ترک تحصیل میکند. برائسر سیاستهای ارتجاعی رژیم آموزش بیش از پیش از دسترس جوانان زحمتکش خارج میشود و فرزندسان کارگران و زحمتکشان مجبور میشوند بارها گردن مدرسه ، به جستجوی لقمه‌ای نان زندگی خود را تنبیه کنند.

این امر موجبات اعتراض و تاراضی های رو افزایش را فراهم ساخته است. این اعتراضات بویژه بهنگام ثبت نامها و در ماههای آغاز سال گسترش خواهد یافت. سازماندهی مبارزات دانش‌آموزان و خانواده های آنان به خاطر قطع شهریه تامین و توزیع نوشت افزار و وسایل تحصیلی دیگر به قیمتهای مناسب و آموزش رایگان و وظیفه انتقالی جوانان و دانش‌آموزان مبارز و پیشگام است.

به بر نامه های رادیو زحمتکشان ایران

گوش فرا دهید

گسترده تری مبارزات انقلابی دانشجویان و دانش‌آموزان!

دانشگاه در قبضه وابستگان رژیم

در آستانه برگزاری کنکور، آخوند رحمانی مسؤول واحد بسیج مستضعفین سپاه، اعلام کرد "کلیه رزمندگان بسیجی که ۳ تا ۶ ماه تعهد حضور در جبهه را داده‌اند... به دانشگاه راه خواهند یافت" وی تعداد این بسیجی‌ها را ۳۰ هزار تن اعلام کرد و فاش ساخت که سال گذشته نیز ۸ هزار بسیجی به دانشگاه‌ها راه یافته‌اند.

بدین ترتیب از ظرفیت ۶۰ هزار نفری دانشگاهی درست‌نیمی از آن به بسیجی‌ها تعلق می‌کند. به این سهمیه ۵۰ درصدی باید سهمیه قبلی نهادهای ارتجاعی - که منظریت دانشگاه‌ها را شامل می‌شود - و انواع سهمیه‌های متعلق به خانواده‌های محرومین و قربانیان جنگ و سهمیه‌های ریزودرشت اعلام شده دیگر را نیز افزود، بایک حساب ساده معلوم می‌شود، که از ظرفیت پذیرش دانشگاه‌ها بخش عظیمی به عوامل و مزدوران رژیم اختصاص داده شده و تنها سهم بسیار کوچک و ناچیزی برای ۵۵۰ هزار داوطلب ورودیه دانشگاه‌های باقی‌مانده است. در برابر این سهمیه آزادنیست هفت است تفتیش عقاید توسط سازمان‌های امنیتی، داستانی و سایر ارگانهای اطلاعاتی و امنیتی گسترده شده است.

رژیم ارتجاعی خمینی آموزش عالی در کشور را در معرض نابودی قرار داده است. امکانات دانشگاهی روز بروز بیشتر از دسترس جوانان و بویژه جوانان زحمتکش خارج می‌شود و در اختیار عناصر و عوامل و مزدوران وابسته رژیم قرار

میگیرد. رژیم جنایتکار خمینی وعده قبولی در دانشگاه را به طعمه‌ای برای کشاندن جوانان به جبهه‌های جنگ تبدیل کرده است و با اختصاص امتیازات فوق العاده و چشمگیر می‌کوشد گوشت دم توپ بیشتری برای اهداف جنایتکارانه خود فراهم آورد.

سیاستهای ارتجاعی حکومت فقها و انحصار آموزش عالی به وابستگان رژیم، ورود به دانشگاه را برای میلیونها جوان و نوجوان ایرانی به رویا و آرزویی دست نیافتنی بدل کرده است. این امر به نوبه خود به گسترش وسیع روحیه بی‌علاقگی و عدم تمایل به تحصیل و حتی دامن زدن به ترک تحصیل در دوران دبیرستان دامن زده است. میلیونها دانش آموز هیچ گونه چشم انداز مثبت و امیدیه قبولی در دانشگاه‌ها ندارند. بیش از پیش نسبت به ادامه تحصیل بی‌علاقه می‌شوند. سیاست ارتجاعی رژیم در مورد گزینش دانشجویان تنها موجب ناگامی و ناامیدی صدها هزار شرکت‌کننده در کنکور است، بلکه افت کیفیت آموزشی مدارس و دانشگاه‌ها و بحران آموزشی نیز دامن زده است.

اختصاص نیمی از ظرفیت دانشگاه‌ها به بسیجی‌ها، اقدام گستاخانه و ارتجاعی - ناسازگار رژیم در راستای نابودی نظام آموزش عالی و تبدیل آن به تیول وابستگان رژیم است. به این اقدام ارتجاعی باید با گسترش مبارزه و اعتراض پاسخ گفت. در میان صدها هزار جوان نارضاض گسترده خشم و ناراضی از این بیعدالتیهای آشکار وجود دارد، باید بطور جدی به این زمینه‌های اعتراض توجه کرد و با فشار کربهای همه جانبه و کاربی وقفه در میان جوانان معترض، اعتراضات بپراکنده را به یک مبارزه نیرومندی علیه رژیم بدل ساخت.

دروغ و فریب و بمنتظر خواب کردن جوانان و جلوگیری از اعترافات بیشتر است. آنها نسیه می‌خواهند و نه می‌توانند ورزش کشور ما را از بحران اسفبار کنونی نجات دهند. آنها خود مسبب این بحرانند و در "چاره جویی" های خودنیز جز جزمستی اعتقادات و ازارا شرافه حلیهای سطحی کار دیگری نمی‌کنند.

برای پایان بخشیدن به اوضاع بحرانی فعلی باید به حاکمیت آوندها بر ورزش پایان داد و ورزش کشور را از زنجیر قید و بندهای ارتجاعی و مکتبی رها ساخت. باید دست عمال ارتجاع را از ورزش کشور کوتاه کرد، مزدوران رژیم را از مقامات و مسئولیتهای سازمانهای ورزشی بیرون ریخت و کلیه وظایف ارتجاعی حاکم بر ورزش را لغو کرد. خود ورزشکاران باید از طریق انتخاب نمایندگان واقعی شان سیاستهای ورزشی، بودجه تربیعیست بدنی، فعالیتهای ورزشی، تنظیم تقویمهای ورزشی، چگونگی سفرهای خارجی و... را زیر کنترل بگیرند.

روشن است که با وجود رژیم ارتجاعی و فساد ورزشی خمینی، ورزش ایران هرگز شکوفانخواهد شد. مبارزه برای دستیابی به تحول روضف فلاکت بار و ورزش کشور خود بخود با مبارزه ورزشکاران و ورزش دوستان علیه سیاستهای ارتجاعی و تعامیت رژیم خمینی همراه است. مبارزه و تنها مبارزه متشکل می‌تواند در پایان بخشیدن به اوضاع اسفبار فعلی موثر افتد. ورزشکاران انقلابی و آگاه وظیفه سازماندهی مبارزات جامع - مبارزه و پیوند این مبارزه با مبارزه رزمندگان ایران در راه صلح و آزادی، و علیه رژیم خمینی را یک لحظه نیز نباید فراموش کنند.

بحران ورزش، عوامل فیزیهای رژیم



بحران و پوسیدگی " ورزش اسلامی " چنان عیان شده است که دیگر حتی جبهه خطبوران حکومتی نیز به آن اعتراف دارند. طی ماههای اخیر مسئولین، روزنامه‌ها و مجلات وابسته به رژیم در " انتقاد " به اوضاع اسفبار ورزش از یکدیگر سبقت می‌گیرند. رئیس فدراسیون فوتبال ایران را به " اسب مرده " و روزنامه رسالت آنرا به " عنکبوت سپاه " تشبیه می‌کنند. گیهان ورزشی فاش می‌آورد که مدالیهای بازیهای آسیایی که زمانی نشانه " قدرت اسلام " معرفی میشد به ضرب دو بیستگسب شده و " بوی دارو میدهد " نویسنده دیگری برده ورزش مدارس کشور را کناری زند و اعتراف می‌کند که " در مدارس به معنای واقعی کلمه ورزش ندارد ". درگیری و تضاد میان باندهای مختلف وابسته به سازمانها و نهادها و مجلات ورزشی نیز تشدید شده و هر کدام دیگری را به " بدگشتگی با اسلام " و " آلت دست " ضد انقلاب " متهم می‌آزند. در عین حال مسئولین ریزودرشت بر این " اسب مرده " انگ تمساح بیریزند و طرح پشت طرح می‌دهند که چگونه میشود ورزش کشور را نجات داد!

براستی چگونه میشود ورزش کشور را نجات داد؟ این سؤالی است که دهها هزار ورزشکار و میلیونها جوان شیفته ورزش در جستجوی پاسخ آند اما هنیا هوی عمال رژیم در مورد اصطلاح ورزش تنها

اعتصاب در دانشگاه تبریز

در پی مسمومیت عده‌ای از دانشجویان دانشگاه تبریز از غذای خوابگاه و بدنبال اعتراضات مکرر دانشجویان نسبت به وضع بد غذا، دانشجویان ساکن خوابگاه در ۱۶ اردیبهشت دسته جمعی علیه کانتینر بخش غذا حمله کرده و اقدام به دور ریختن غذای موجود در آن کردند. این حرکت دانشجویان با دخالت مزدوران انجمن اسلامی به درگیری انجامید. دانشجویان عمال رژیم را مجبور به فرار کردند. فردای آنروز حرکت اعتراضی دانشجویان ادامه یافت. این بار انجمن اسلامی جرات دخالت به خود نداد و تنها با نصب اعلامیه ای تهدید نمود که عناصر اخلاف گسر را شناسایی کرده و جزای آنها خواهد داد. این اعلامیه نفرت و انزجار دانشجویان نسبت به انجمن اسلامی را تشدید کرد. گسترش حرکت اعتراضی دانشجویان در روز شنبه ۱۹ اردیبهشت به اعتصاب غذا فراروید. در این اعتصاب، اکثریت قریب به اتفاق دانشجویان شرکت کردند و خواستار رسیدگی به مطالبات رفاهی و از جمله بهبود کیفیت غذای دانشگاه شدند.

فاجعه فرهنگی

یکشنبه ۱۷ خرداد ماه امسال تمامی ۸۵ هزار جلد کتاب کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان در جریان یک آتش سوزی خاکستر شد و از میان رفت. در این کنجیسه گرانها نزدیک به ۴۰ هزار جلد کتاب بسیار نفیس، کمیاب و نسخه های منحصر به فردی بود که طی سالیان دراز جمع آوری و ذخیره شده بود. این فاجعه فرهنگی تا ساف و اعتراض عمیق دانشگاهیان و دانشجویان میهن مان را برانگیخت. با زتاب این خبر، محافل فرهنگی جهان را نیز تکان داد. زیرا بخشی از این مجموعه ارزشمند، انعکاس تمدن و فرهنگ بشری است که به هیچ روی قابل برگشت نیست.

خبر این فاجعه فرهنگی بصورتی بسیار عادی و همانند بسیاری حوادث که روزمره در جمهوری اسلامی اتفاق می افتد، در روزنامه های کشور درج شد. مسئولین دانشگاه اصفهان دلیل ایسن فاجعه را عدم وجود سیستم اطفاء حریق ذکر کرده اند. اما کیست که این فاجعه را از سلطه شوم ارتجاع ضد فرهنگ برمیهن ماجدا بداند. کیست که بنادند در حکومت و سطوی آخوندها

تشدید بحران و کشاکش وابسته به هر جناح با تمام توان وارد میدان نبرد برای تسخیر مجلس سوم میشوند. در این میانه سرنوشت " حزب جمهوری اسلامی" هم باید روشن می شد. دسته بندی در حزب " فراگرم" و واحد حکومتی آنچنان بود که با باید رسا به ۲ حزب تقسیم میشد و یا قربانی حفظ وحدت موری همه طرفداران ولایت فقیه میگردد. خمینی راه دوم را انتخاب کرد و حزب جماعتاران را در مسلخ بحران رژیم به قربانی داد خمینی می بیند که مردم روز به روز از کجاست قرون وسطایی اش رویگردان میشوند، میبیند که سیاست های حکومتش در همه زمینه ها شکست خورده است و پایبندی نظام ولایت فقیه لرزان است از ایسترو او سخت احساس خطر میکند و تلاش دارد تا دامنه کشاکش ها را هر چه محدودتر کند. اما منلروز روشن است که منازعات جناح های حکومتی باز هم گسترش وحدت خواهد یافت زیرا که بحران در جامعه

نه فقط این کتابخانه نفیس، بلکه بسیاری آثار گرانقدر دیگری از فرهنگ و تمدن میهن مان به ویرانی کشیده شده است. ملاحظه حاکم برایان درست مثل اسلاف قرون وسطایی شان رسالتی جز ویرانگری و نابودی ندارند، کتاب سوزان از بزرگ ترین لذات این جهل پرستان برآمده از اعناق تاریخ است. ما از همه محافل فرهنگی و دانشگاهی میهن مان و سازمانهای بین المللی میخواهیم تا با محکوم کردن جنایات فرهنگی رژیم و بیگیری و انشای حادثه اخیر، از تکرار چنین فجایعی جلوگیری نمایند.

آردوی شکار قربانی

وزارت آموزش و پرورش و امور تربیتی تهران با درج اطلاعیه ای در رسانه های خبری، اعلام کردند؛ برای گذران اوقات فراغت دانش آموزان در تابستان چندین آردوی آموزشی تدارک دیده اند. طبق این اطلاعیه، آموزش قرآن، طرح مباحث عقیدتی، اصول عقاید، اخلاق و تاریخ اسلام و آموزش نظامی، بری ما هایی هستند که برای دانش آموزان شرکت کننده در این اردوها ترتیب داده اند.

ناگفته روشن است که وظیفه اصلی ایس اردوگاهها ایستادن ذهن دانش آموزان با تبلیغات ارتجاعی و جنگ طلبانه، آموزش نظامی آنها و اعزامشان به های مرگ است. پیش از این نیز حضور دانش آموزان کلاس سوم و چهارم دبیرستان درجهه تحت عنوان "طرح گاد" به مدت ۲۰ روز الزامی اعلام شده بود. تشکیل اردوهای شستوشی مغزی و شکار قربانی باسخ رژیم جهل و جنایت به خواست امیلیسون دانش آموز برای ایجاد امکانات تفریحی، آموزشی و ورزشی برای گذران اوقات تابستان است.

آز نبرد پیشگام

جوانان پیشگام در تهران در تلیغ اول ماه مه، روز کارگر بسیار موفق بودند. آنها علاوه بر بخش اعلامیه و تراکت و نوشتن شعار دست به ایستکارات جالبی زده و به اشکال مختلف این روز را جشن گرفتند. در یک کارخانه با جمع آوری بول گل و شیرینی خریده و جشن صمیمانه و خاطره انگیزی برگزار کردند. در کارخانه دیگری کارت تبریک درست کرده و به کارگران هدیه دادند. این روز را تبریک گفتند. جوانان پیشگام میهمانی های خانوادگی و دوستانه زیادی نیز به این مناسبت ترتیب دادند.

در این تمحیق است. این اختلافات در سراپای دستگاه حکومتی و نهاد های وابسته بدان هم پیسه شد انعکاس می دارند. انجمنهای اسلامی دانشگاهها نیز که مدتها بود هر یک به تکللی در جایت از جناحی از ارتجاع اعلام موضع میکردند، ایستک را به دستجات متفرقی تبدیل گردیده اند.

جنگ و بحران روز افزونی که رژیم آخوندی میهن ما را بداند کشانیده است، خود این رژیم ارتجاعی را بسوی نابودی علاج نا پذیر پیش میبرد این وضعیت و از جمله علل موضوع کشاکش جناحهای درون رژیم و ما هیت ارتجاعی هر یک از آنان را باید به جوانان و به همه مردم توضیح داد. باید بند و بستهای آنان را که برای روی پای نگهداشتن حکومت ضد مردمی شان، علیه منافع خلق بسته معامله با یکدیگر و به جلب پشتیبانی امیریان لیستهای می پردازند افشاء نمود و خشم خلق را علیه این رژیم ربا جهل و جنایت فروزان تر ساخت.

درازه تحقیق ملی آشتی ملی



و آرگانهای حاکمیت محلی و مشارکت در تشکیل مجلس آینده بود. تحولاتی که در این مدت پس از اعلام ملی آشتی ملی صورت گرفته، مثبت و امیدوار کننده بوده است. با گذشت این مدت پیوسته ا فشار گسترده تری از مردم افغانستان به پشتیبانی از آن برمیخیزند. هزاران تن از شرکت کنندگان در درگیریهای مسلحانه و دهها گروه مخالف از دشمنی دست برداشته اند و با بسیاری از گروهها گفتگو برای قطع عملیات ادامه دارد. بیش از ۴ هزار تن از هموطنان ما که در آن سوی مرزها بوده اند به کشورشان بازگشته اند. و به این ترتیب امید واقعی برای برقراری صلح و آشتی در کشور ایجاد شده است.

ب- س- تعلق و عکس العمل جوانان در مقابل این سیاست نوین چه بوده است؟

ج- اساسی ترین نکته درسیات آشتی ملی برای جوانان ما چشم انداز صلح است. ما تنها در شرایط صلح در کشور میتوانیم به برنامه های رشد اقتصادی، فرهنگی، ملی و اجتماعی جامه عمل ببوشانیم. انقلاب نمی تواند در شرایط جنگ برادر کشی به وعده های خود بطور گسترده عمل کند در این ۹ سال که نیستند خانواده های کشته تعدادی از جوانان خود را از دست داده اند. نتیجه جنگ برای ما مصیبت بود. مصیبت برای هر خانه هرناجیه، هر شهر و برای تمام کشور. در عین حال برجا ماندن عقب ماندگی و عدم توانایی برای پیشبرد برنامه های اقتصادی - اجتماعی، آینده مبهم ما متعلق به جوانان است و آنها هم بنا تمام وجود میخواهند که در شرایط صلح آمیز به آباد سازی و پیشرفت آن بپردازند.

ب- نقش و وظیفه ای که سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان برای تحقق این سیاست پیش روی خود می بیند، چیست؟

ج- سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان در صفوف خود بیش از ۱۲۰۰۰۰ جوان را متشکل ساخته است. ما به امر توسعه پایه های اجتماعی سازمان به پذیرش هر چه بیشتر کارگران، دهقانان، پیشه وران جوان، دانش آموزان، دانشجویان توجه جدی داریم. از سوی دیگر جوانان تکیه گاه مطمئن اجرای برنامه های دولتی هستند. اکنون نخستین سال برنامه های اقتصادی اجتماعی ۱۳۶۵-۱۳۶۸ در حال پایان است. جوانان ما باید از برنامه های کوتاه مدت و بلند مدت آگاهی داشته باشند و آنرا به زبان ساده در میان کارگران و دهقانان تبلیغ و توضیح نمایند.

کمیته مرکزی سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان برای فراهم آوردن کار برای جوانان ارتقای سطح تخصص آنها، مواظبت از حقوق مولدین جوان، بهبود شرایط کار و زندگی و استراحت آنها باید توجه بیشتری معطوف دارد. به عبارت دیگر باید مطابق با نیازهای زمان به پیشرفت. اکنون زمان، زمان امیدواری های بیشتر و برنامه های بزرگ حزب ماست. اجرای این برنامه ها به شکل مستقیم با شور و هیجان جوانان

رویدادهایی که اکنون در افغانستان انقلابی میگردد، مورد توجه مردم و جوانان مبین ماست. در مرکز این رویدادها، اینکاجزب ودولت انقلابی افغانستان برای پایان بخشیدن به جنگ ناخواسته و تحمیلی توسط امپریالیسم و اعلام ملی آشتی ملی است. این ملی با مقاومت سرخانه امپریالیسم جهانی و ارتجاع منطقه روبروست. امپریالیسم آمریکا، رژیم دست نشانده ضلوع الحق و نظام ارتجاعی جمهوری اسلامی با تمام نیرو در راه آشتی ملی سنگ اندازی میکنند. سردمداران جمهوری اسلامی تلاش میکنند تا با صدور انقلاب اسلامی کذایی شان و با کمک به ضد انقلاب مزدور آمریکا با بنده و دست باز رژیم وابسته پاکستان، از پیشرفت ملی آشتی ملی جلوگیری کنند. نشریه پیشگام برای آشنایی با این تحولات با رفیق فرید احمد مزدک عضو مشاور هیئت سیاسی حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دبیر اول سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان بیامون مسایل جاری این کشور و نقش جوانان در آن مباحثه کرده است که در این شماره به چاپ میرسد.

ب- خواهشمندیم در مورد ملی آشتی ملی برای خوانندگان پیشگام توضیح دهید.

ج- یکسال از نخستین گفتگوی من با خوانندگان پیشگام میگردد. در این یکسال انقلاب ما راه دشوار، پرپیچ و خم و در عین حال با دستاوردی را از سر گذرانده است. مهم ترین رویداد در این مدت هماکنون که اثر کرده، اعلام ملی آشتی ملی توسط حزب دموکراتیک خلق افغانستان و دولت جمهوری دموکراتیک افغانستان بوده است. اکنون برقراری صلح در کشور، مقدم ترین و مبرم ترین نیاز است. تصمیم حزب و دولت ما برای در پیش گرفتن این سیاست از تمایل شده های خلق به پایان گرفتن خونریزی ها سرچشمه میگردد. اصول این آشتی، ساده و برابری همه قابل فهم است؛ آتش بس، خودداری از بیگانه و سرخوردگی، به هنگام حل مسایل امروز و فردا در افغانستان، دستیابی به نمایندگی عادلانه تمام خلق در ساختار اجتماعی و زندگی اقتصادی، امتناع از بیگانه به خاطر فعالیت های سیاسی مخالف در گذشته و عقو عمومی، حفظ و گسترش سنت های تاریخی، ملی و فرهنگی. هدف آشتی ملی: صلح و امنیت، گسترش دستاوردهای انقلاب، تحقق کامل برنامه عمل جمهوری دموکراتیک خلق افغانستان، تضمین توسعه مستقل، دموکراتیک و مترقی کشور ما و همچنین ایجاد فضای باثبات در کشور و تحکیم حاکمیت خلق است. آغاز روند آشتی ملی با اعلام آتش بس یک جانبه ۶ ماهه و فراخواندن همه گروههای مسلح که تاکنون با حکومت جنگیده اند به ترک مخالفت و مباحثه و شرکت در دولت انقلاب ملی

در ارتش برای تربیت جوانان با روحیه انضباط آگاهانه عالی، درک عمیق از وظیفه دفاع از میهن و دفاع از تحولات مترقی، گسترش قابل ملاحظه‌ای یافته است.

همین جا لازم به تذکر است که با تحقق مثنی آشتی ملی کار عمیق جدی برای ساختن افغانستان نوین آغاز میگردد. این مثنی به کار جدی، طولانی و شمر بخش احتیاج دارد. ممالحه ملی جوانان را به کاری دشوارتر، گسترده تر و مبارزه جویانه تر در راه اهداف انقلاب شور فرا میخواند.

س- در شرایطی که شما همه قوای خود را در جهت صلح بسنج کرده‌اید، مردم و جوانان ما از بسک جنگ بی معنی ساله رنج میبرند. در این مورد چه فکرمیکنید؟

ج- ما نمیتوانیم نسبت به جنایاتی که در حق جوانان ایران صورت میگیرد، بی تفاوت باشیم. همانطور که اشاره کردید، جنگ ویرانگر ایران و عراق لطعات جدی و جبران ناپذیری به دو کشور وارد ساخته و صدها هزار جوان را به کام مرگ و نابودی گشاده است. ما به نام برادران همزم و همسال جوانان و نوجوانان ایرانی و به نام متعاسی اعضای سازمان دمکراتیک جوانان و به نام کودگان و پیشاهنگان افغانستان اعتراض خود را نسبت به سیاستهای رژیم حاکم بر ایران علیه جوانان و کودکان اعلام میکنیم. ما بار دیگر همسنگینی رزمجویانه خود را با نسل جوان ایران در مبارزه برای احقاق حقوق و بازگشودن راه رشد و تعالی و ساختن ایرانی آزاد و دموکراتیک اعلام میداریم. ما همیشه در کنار آنها قرار خواهیم داشت و برای آنها در راه نیل به اهداف والا و شریفشان آرزوی پیروزی میکنیم. ما برای سازمانهای رزمنده جوانان ایران یعنی سازمان جوانان پیشگام و سازمان جوانان توده و سایر نیروهای ملی، دمکراتیک و فد امپریالیستی که میتوانند در یک خط مشترک همراه با جنبش مترقی جوانان جهان کام بردارند و مبارزه کنند، آرزوی توسعه امکانات بیشتر و کامیابی های فزونتر داریم. امیدواریم که با مبارزه متحد و پیگیر مردم و جوانان ایران، این جنگ ویرانگرکی میان خلقهای ایران و عراق پایان بگیرد و مردم نجیب و زحمتکش ایران از همه مصائب و خرابی های سیاسی که این رژیم قرون وسطایی به بار آورده است، رهایی یابند.

با عقل سلیم و فعالیت های سازنده آنها ارتباط بگیرد. ما باید کار سیاسی و تربیتی میان جوانان را با برنامه دقیق و همه جانبه ای پیش ببریم. بی شک آنجا که ما کار میکنیم، دشمنان کار خواهند کرد و دشمن در این راه از همه شیوه های دروغ - پراکنی، تحریف و اتهام زنی استفاده میکنند. برای مسموم کردن روحیه جوانان ما، دشمنان از همه وسایل از جمله دین استفاده میکنند. اگر خلاصه بگویم اول - ما باید هر چه بیشتر پایه های اجتماعی خود را استحکام بخشیم و سازمانهای جدید را بویژه در روستاها ایجاد کنیم. دوم - اعضای سازمان ما باید هر چه وسیع تر به میان توده های مردم، به قریه ها و قشلاق ها بروند و سیاست انسانی آشتی ملی را به زبان ساده خود مردم برای آنها تشریح نمایند. سوم - برای اجرای برنامه نخستین ۵ ساله باید همه توان خود را به کار گیریم و محتوی آنها وسیعاً در میان زحمتکشان تبلیغ کنیم. چهارم - جوانان باید کسب دانش و تخصص را وظیفه نخستین خود بدانند و در پیکار برای ریشه کن کردن بی سوادی فعال ترین نقش را به عهده گیرند. پنجم - جوانان ما باید هر لحظه برای دفاع از میهن آماده باشند و کسار فعال مبین دوستانه با توده جوانان پیش برده شود ششم - در عین مبین دوستی، جوانان ما باید انترناسیونالیست های پرشوری هم باشند و مبلین فعال دوستی با اتحاد شوروی، کشورهای سوسیالیستی پشتیبانی از جنبش های آزادیبخش و ترقیخواه در سراسر جهان باشند.

س- چه فعالیت های مشخصی در راستای وظایف فوق تاکنون انجام گرفته است.

ج- این روزها یکی از خاطره انگیزترین روزهای کار و پیکار جوانان افغانستان است. ما کار خود را با وسیع ترین بخش جامعه یعنی دهقانان شدت بخشیده ایم. نخستین گروه تراکتورهای تبلیغاتی که جوانان روی آنها کار میکنند را روانه روستاها کرده‌ایم. کمیته ها و دهقانی سازمان ما نخستین آسیابهای برقی را به روستاها انداخته اند و ساختمان مدارس و چاهخانه های روستایی توسط جوانان آغاز شده است. برای آموزش تکنیک های نوین کشاورزی و بردن وسایل مدرن به روستاها حل مسئله آب، حفر چاه عمیق ایجاد راههای روستایی و جمع آوری محصولات متخصصین جوانان ما تلاش بسیار موشری را آغاز کرده اند. هنرمندان جوان و آموگاران جوان در روستاها به کار تبلیغ و سازماندهی مشغولند. در این زمینه ما هر روز نتایج کارمان را جمع بندی میکنیم و شیوه های نوین تر کار را در دستور قرار میدهم. ۸۲ بریگاد تولیدی به نام «برنامه ۵ ساله» مشارکت فعال در امر مصادقات کار و نیز ایجاد بریگادهای کار دانش آموزان و دانشجویان که بیش از ۶۸۰۰ جوان را بسنج نموده است و در کارهای داوطلبانه شرکت میکند، از جمله کارهای ما است. برای نخستین بار به ابتکار سازمان دموکراتیک جوانان افغانستان بریگادهای نظم اجتماعی ایجاد گردیده که بیش از ۱۴۰۰۰ جوان را در مقوف خود متشکل کرده است. برای نخستین بار در دانشگاهها و موسسات آموزش عالی کرسی های آموزش نظامی ایجاد شده که کار وسیع و قابل ملاحظه ای در زمینه تربیت نظامی و مبین دوستانه جوانان انجام میدهد. همچنین فعالیت های ما

زنده باد دوستی
جوانان
ایران و افغانستان!

بزرگترین قربانیان نظام سرمایه داری معاصر جوانانند. بیکاری، بیهودگی و بی آینده‌گی، ستم طبقاتی، انواع تبعیض‌های جنسی و نژادی آنها را در پیچیده‌های مرگبار و خویشی می‌فشرد. بورژوازی انحصاری و ایدئولوگ‌ها هیش تلاش میکنند تا از شکل‌گیری آگاهی طبقاتی و روحیه مبارزاتی در میان جوانان جلوگیری کنند و بیش از هر چیز آنها را متقاعد سازند که مشارکت در امور سیاسی امری عبث و بیهوده است. بورژوازی میگوید: بگذار و جوانها هرچه میخواهند بکنند، فقط آنها را از امور سیاسی دور نگاهدارید.

پانکیسم انحطاط یا اعتراض

از آخرین سلاحهای سرمایه داری در مسیر رسیدن به هدف بالا، پانکیسم است. پانکیسم طفلیان یا سی آلود جوانانی است که به سرحد بوجی و نا امید می آید از هر چاره ای در نظام سرمایه داری رسیده اند. هدف پانکیسم نه مبارزه ای متشکل و جهت مند با نظام سرمایه داری یعنی منشاء همه نا سامانی های زندگی جوانان، بلکه تنها دهن کجی به این نظام، (زیر پا گذاشتن مقررات و قوانین جامعه و دق دل خالی کردن از طریق پوشیدن لباسهای عجیب و غریب، رفتار و آرایش غیر عادی است. از اینرو علیرغم وجه اعتراضی اش مفری برای دفع واکنش جوانان علیه نا هنجاریها و بحسران عمیق جامعه سرمایه داری میشود.

پدیده های نظیر پانکیسم وقتی از زادگاه خویش (اروپای غربی و آمریکا) دور میشوند و به کشورهای سرمایه داری "جهان سوم" میرسند، مسخ میشوند و ویژگی، یا مضامین دیگری بخود میگیرند. زیرا تضادهای عینی که در غرب سرمایه داری منجر به زاده شدن چنین پدیده ای شده اند، عینا در کشورهای در حال رشد، موجود نیستند. برای نمونه اگر به بررسی "رواج هیپیسم" در سالهای دهه ۵۰ در مینه سوتا نگاه می بینیم، متوجه می شویم که این "هیفت صرفا به مثابه یک مد و تقلیدی از غربی ها، عمدتا در میان افشار بالایی و مرفه جامعه مسایلی یافت و قبل از همادا و اصولی از سرگیری و بی معنا بود. اکنون پانکیسم هم از چارچوب زادگاهش بیرون زده و به کشورهای عقب نگه داشته شده مدار سرمایه داری گسیل شده است. پانکیسم درگشت و گذارش به مینه سوتا ویژگی هایی یافته که دلیل آن خصوصیات رژیم است که بر ایران حکومت میکند.

حکومت قرون وسطایی و پوپولیده آخوندی که با همه مظاهر انسانیت در ستیز است، هر نوع شادمانی، زندگی و جوانی را بر جوانان ماحرام کرده است، آزادیهای سیاسی را به خونین ترین شیوه ها سرکوب میکند، هیچ جلی برای مشارکت جوانان در اداره امور مربوط به خویش و امور سیاسی و اجتماعی قابل نیست و آینده ای که برای آنها ساخته می‌رود درجهه پایه روزی در جهنمی است که خمینی برایشان بوجود آورده است. در چنین شرایطی پانکیسمی ضمن حفظ ماهیت واقعی خود به نوعی سلاح اعتراضی برای مقابله با حکومتی تبدیل شده که حتی در خصوصی ترین زوایای زندگی جوانان هم مداخله میکند و خواهان تحمیل مقررات عقب مانده خویش است. پدیده ای که

به نام "پانکیسم" در جمهوری اسلامی رواج یافته است، متفاوت با مضمون آن در کشورهای مریبا - لیستی بوده و علاوه بر جهات و اهدافی که اشاره دهندگان آن دنبال میکنند، عملکرد و نحوه دیگری نیز بخود میگیرد. اکنون در ایران

پانکیسم فقط محدود به اقرار مرفه جامعه و تنوع طلبی تنگ سیرانه نیست، جوانان اقشار متوسط و حتی در مواردی جوانان کارگر و زحمتکش شهرها نیز به گونه خاصی خود به پانکیسم روی می آورند. برای دسته اخیر، لباس پوشیدن و آرایش و رفتار به شیوه ای که آخوندها نمی پسندند و آثار ممنوع کرده اند نوعی مقابله است. اعتراضی و نوعی مقابله با رژیم است. اینها تا زمانی که دستگاه سرکوب ددمنشانه ای است که هر پدیده "غیرمکتبی" را به نابودی میبطلد میریالیستها، سلطنت طلبان و لیبرالها

که میگویند تا ناراضی جوانان را به سود خویش سمت و سازمان دهند، با شاع و سازماندهی پانکیسم در میان جوانان میخوانند تا نفوذ خود را در میان آنان گسترش داده و آنان را به خدمت خود در آورند. اما آیا باید ایمن جوانان را در برابر بورژوازی رها کرد؟ وظیفه ما در این میان چیست (ماهواره باید باندیشه و ایدئولوژی بورژوازی در هر شکل و قیافه های مبارزه کنیم. اما این به معنای مبارزه با جوانانی که به پانکیسم روی آورند نیست.

باید گریزات گوناگون و روحیات برجح اعتراض و تمرد نسبت به رژیم حاکم را در آنها باز شناخت. باید زمینه های مساعد برای روی آوردن به مبارزه جاسد ارائه مثبت و متشکل را در میان آنان دید. تجربه ای که برخی رفقای ما در نزدیکی محافل این دسته جوانان - بویژه در میان اقشار پایینی - با گوش کردن به درددل و مسایل آنها، جلب تدریجی اعتمادشان، جلب مساعد آنها به فعالیتها و مثل کتابخوانی، گوهنوردی و تفریحات سالم و سرانجام نشان دادن راههای مبارزه با رژیم به آنان داشته اند نشاندهنده

زمینه مساعدی است که از آن گفتگو کردیم. خطای محض است اگر گمان کنیم هر جوانی که خودش را به قیافه پانک ها در آورده، از دست رفته است و امیدیه به جذب او به میدان مبارزه نیست. او داشت نفس روحیه نوجویی جوانان و نفس موزع اعراض - شان به رژیم مورد تأیید ماست. وظیفه ماست که ضمن شناساندن ماهیت "پانکیسم" افشای نیات مروجین آن و بر حذر داشتن جوانان از کشیده شدن بدان روحیات و روانشناسی جوانان پانکیست و مقتضیات و مسائل آن را بشناسیم. سرکوب و ددمنشی های گزیه های رژیم علیه آنان را محکوم کنیم. درگیری و مبارزه شان با حکومت را

به سمت و مواج سالم سوق دهیم. این جوانان تنها زمانی چشمان به راهی که افتاده اند گشوده میشوند و به عزمه راستین زندگی و مبارزه پای خواهند گذارد که به ما اعتماد کنند. و بسینند مانه تنها به دردها و مسایلشان بسا

دیده تحقیر نمی نگریم، بلکه با دلسوزی به گفته هایشان گوش میکنیم، با مشکلاتشان همدردی میکنیم، از آنان دفاع میکنیم و برای راهی از جهنمی که خمینی برایشان ساخته است، راه صحیح یعنی مبارزه هدفمند، پیگیر و متشکل را پیشنهاد میکنیم. باید همه این جوی های اعتراضی را به شط خورشان مبارزه خلق هدایت کنیم و رژیم جهل و جنایت و جنگ طلب خمینی را از میان برداریم.

آنها نمی خواهند بجنگند

رفیقی که بعنوان سرباز فراری توسط سپاه دستگیر و به جبهه های جنگ اعزام شده بود، گزارشی از مشکلات و مسائل سربازان فراری مشمول درسیاه برای ما فرستاده است که خلاصه ای از آن را در زیر میخوانید.

* * *
 پس از دستور العمل دولت مبنی بر تشدید سربازگیری، از او ایستل آن بان در اکثر شهرها ی مازندران موج دستگیریها توسط ارگانهای انتظامی و سرکوبگر رژیم شروع شد. تعداد زیادی از سربازان دستگیر شده را بکراست روانه مراکز آموزشی سپاه در نزدیکی جبهه (اندیشک و هفت تپه) کردند. تعداد دستگیریها چنان زیاد بود که در مراکز آموزشی، سپاه با کمبود جا روبرو شدند. مثلا در قاسمشهر فقط ۵ هزار سرباز فراری وجود داشت، اکثر سربازان را ۱۰-۱۵ روزه و سراسری آموزش میدادند و به جبهه میفرستادند.

شکل دستگیری، دستگیری سربازان فراری توسط ارگانهای مثل سپاه، شهربانی، ژاندارمری و بخصوص کمیته ویا همکاری انجمن های اسلامی محلات و روستاها صورت میگرفت. در روستاها نقش انجمن های اسلامی شمشگیر است. حتی خودشان به خانه های سربازان ریخته و آنها را دستگیر میکردند. در اکثر جاده های بین شهری وحتی جاده های فرعی وجاده هایی که به روستاها ی بزرگ ختم میشود، پست بازرسی مستقر شد. تعداد زیادی به این طریق دستگیر شدند. عده زیادی در خود شهرها و در مراکز تجمع جوانان مثل خیابانها و ورزشگاهها و سینماها بدام افتادند. عده قابل توجه درخود ژاندارمری و نوبت کمیسون بزرگسای دستگیر و مستقیما عازم مراکز سپاه گردیدند. اکثر اینها بمرض بودند. در هفت تپه آدمهای بی بودند که بزور میتوانستند راه بروند، افرادی بودند که عقب ما ندگیهای ذهنی جسمی در آنها کاملا مشهود بود ولی ازداد مرگ رژیم در مان نمانده بودند... ولی اکثر سربازان بویژه در شهرها با یورش کمیته به خانه هایشان دستگیر میشدند. اکثر دستگیر شدگان را به یادگاری در یکی از دهات تا بابل بنام شهیدبازان (ولیک) میفرستادند. هر چند روز حدودا ۲۰۰ تا ۳۰۰ سرباز را در آنجا جمع میکردند و بعد با مستقیما بیا از طریق جالوس به هفت تپه اعزام میکردند.

وضعیت اجتماعی، اکثر سربازان فراری روستاییانی بودند که در روستا یا در جاده و یا هنگام کار کشاورزی روی زمین دستگیر شده بودند. در بین این سربازان صاحبان مشاغل آزاد مثل نانوائی، بنایی، عکاسی، مکانیکی، تراشکاری، نقاشی، سلمانی و مغازه دار هم زیاد بودند. یکی از بزرگترین های این سربازان بی سرپرست ماندن خانواده های شان بود. خیلی از آنها هیچ پس اندازی هم نداشتند که زن و فرزندانشان بتوانند با آن گذران کنند، آنها در این گرانی و حشتناک، این موضوع یکی از انگیزه های جدی فرار در بین این سربازان بود.

فرار در بین سربازان قابل شمارش نبود. سیمپهای خاردار و تجدیدات فرماندهان مبنی بر کار گذاشتن نله یا انفجاری در میان این سیم هانیز نمیتوانست جلوی موج گسترده فرار را بگیرد. استفاده از تاریکی شب (با آنکه نگهبانان حقی

تبر داشتند) یا در زمان ملاقات اشکال نمود استفاده برای فرار بودند. در یک شب ۴۰ نفر بطور جمعی از سیم های خاردار گذشتند. بسیار دیگر بهنگام فرار یک دسته ۲۰ نفری، برایشان تیراندازی افراد سپاه عدهای مجروح شدند. تعداد زیادی از فرارها موفق بجایایی افراد صورت میگرفت بطور مثال حدودا ۲۰ تا ۳۰ نفر توسط اعزام به جالوس و از آنجا به هفت تپه و انجمن فرار کردند. حتی بعضی از اتوبوسها خالی به هفت تپه رسیدند.

یکبار از یک گروهان ۸۰ نفره یادگان بیگلو تقریبا کسی نشانده بود بطوریکه مجبور شدند از آرابا گروهان های دیگر ادغام کنند. یکی دیگر از راههای فرار، شکستن عدهی دستوپا... بود که البته بتدلیل نداشتن مرضی حتی به افراد دست و پا شکسته دیگر کمترا تکرار شد. رژیم برای مقابله در همه جا بصر کنترل خود افزود، بویژه از طریق خواستین برگ مرضی دوباره خیلی ها را دستگیر کردند. برخورد سپاه: درسیاه با سربازان فراری به قول خودشان مانند خاکنها رفتار میکنند فحاشی و انواع تنبیهات از برخورد های عادی با سربازان فراری است. با کوچکترین بهانه های سربازان را به سینه خیز رفتن مجبور میکردند. ازدادن امکانات به آنها خود را میگردند و حتی درواختی به سربازان غذا هم نمی دادند.

وضعیت بهداشتی زیر صفر بود. بعضی سربازها یکجا یکجا نیز نمی توانستند حمام کنند. مریخی خیلی زیاد بود. اما با بسیاری میگفتند: معافی بی معافی حتی اگر با یک تان قطع شود، میتوانید با دستهایتان بر ایمان پیاز پوست بکنید. سرباز ی بود که پس از ع بار حمله قلبی در حالت اغما بالاخره به بیمارستان برده شد. سرباز دیگری بعد از کلی خون ریزی و در حال مرگ به بیمارستان رسانده شد. همه اینها بیه این خاطر بود که می گفتند: شما فراری هستید! روحیه سربازان، ادامه جنگ در میان سربازان تنفر و انزجار و فروانی برانگیخته بود. تقریبا همه سربازان در هر فرصتی که کنار هم جمع میشدند در این باره صحبت میکردند. بخصوص شبها در جاده های خواب در این مورد بحث های داغی صورت می گرفت. در اکثر موارد اینها بجنها به این نتیجه ساده منجر میشد که بسیاری پایان دادن به جنگ باید با رژیم مبارزه کرد و آنرا برانداخت. بجنهای تند علیه رژیم و ارگانهای سرکوبگرش تا آنجا پیش میرفت که فرماندهان سپاه یکبار در مراسم معنیه از سربازان خواستند به این بجنها پایان دهند و آنها را به زندان و شکنجه تهدید کردند. ولی با وجود تهدیدات و جاسوسان و کشیک دادن در پشت در جاده ها سربازان انگار ناراضی خود را اعلام میکردند و کسی هم نمیتوانست کاری کند چون این ناراضی ها همگانی بود. در هر بحث ضد رژیم جنگ سربازان با جان و دل شرکت میکردند. بخاطر نفرت از جنگ و رژیم اکثر آنها در کلاسهای ایدئولوژی شرکت نمی کردند.

سراخام سربازان: قبل از اعزام عده زیادی در سربارانهای هوایی کشته شدند، از این نمونه هانرا و آن نبود

بستداز پایان دوره آموزشی تقریبا همه سربازان را بدون مرضی روانه جبهه کردند. اکثر این سربازان در عملیات کربلاهای ۶۰ و ۷۰ و ۸۰ شرکت داشتند. تقریبا نصف آنها تا امروز کشته و تعداد زیادی هم مجروح شده اند. اموز که مانده اند در یک چیز سخت مصمم شده اند: سرتگون کردن رژیم

بقیه از صفحه ۱

سخنی با رفقای جوان ...

در یک سال گذشته در این راستا به پیش رفتیم و پیشگام " بیشتر از گذشته براخبار ، گزارشات و تحلیلهای رفقای جوان خود در ایران متکی گردید . اینک در آستانه سومین سال انتشار نشریه پیشگام باید یکبار دیگر ضرورت گسترش همکاری جوانان پیشگام با نشریه خودشان را مورد تاکید قرارداد انتظار ما این است که هر جوان فدایی در عین حال خبرنگار پیشگام نیز باشد و این وظیفه را همیشه همواره جزء تفکیک ناپذیری از فعالیت انقلابی خود به حساب آورد .

جوانان پیشگام در اوضاعی رژیم خمینی در خارج از کشور و جلب پشتیبانی بین المللی از مبارزات جوانان و مردم ایران مجدداً نه میگویند . پیوند و همبستگی رزمجویانه با جوانان صلحدوست و ترقیخواه دیگر کشورها ، ویژه از جوجه برجسته سیاست ماست . پیشگام میگوید که مسایل و مبارزات جوانان دیگر کشورها ، خصوصاً تجارب مبارزات و دستاوردهای بیروزمندانان انعکاس بیشتر و شایسته تری در نشریه داشته باشد .

سخن آخر در مورد توزیع نشریه پیشگام است . پیشگام تنها نشریه انقلابی جوانان است که بطور منظم در داخل کشور بخش میشود . این نشریه را باید حتی المقدور به دست جوانان هر چه بیشتری رساند . این نیز وظیفه ای است که بر عهده تمامی رفقای جوان ما - در هر کجا هستند - قرار دارد . هیچ نشریه ای در هیچ زمانی نباید بلا استفاده باقی بماند . اکنون گستاخیه های کمیته مرکزی و مقالات مهم رهنمودی سازمانگرا نه "پیشگام" از رادیوی زحمتکشان بخش میشود ، رفقای که نشریه بدستان نمی رسد و یا دیر میرسد ، باید با تضییع این مقالات به بخش آنان در میان جوانان اقدام کنند ، وظیفه بسیار مهم جوانان پیشگام در خارج از کشور نیز کمک به رساندن نشریه بدست رفقای جوان خود در داخل میباشد . استفاده وسیع و گسترده از پست در میان زمینه بسیار موثر خواهد بود .

تجربه دوساله ما نشان داده است که علیرغم تمامی دشواریهای انتشار منظم یک نشریه مخفی ما میتوانیم ارگان سازمان خودمان را بدون وقفه منتشر سازیم . پیشگام پرچم ماست ، این پرچم را باید استوارتر برداریم و آنرا به ابزار نیرومند مبارزه انقلابی علیه رژیم خمینی ، به ابزار گسترش یافته های دوران ساز مارکسیسم لنینیسم در میان جوانان کشور و سازمانگری این جنبش برای دموکراسی و سوسیالیسم بدل سازیم .

تحصیلات متوسطه و عالی هستند .
 ایگاناتی که در موسسات آموزشی برای رشد هر چه بیشتر سطح دانش و تخصص جوانان وجود دارد آنرا رابه بهترین نحوه با یافته های علوم پیشرفته آشنا و تجهیز مینماید .
 دوره برائتگی که نیز هرساله برای دانش آموزان و دانشجویان در نظر گرفته میشود آنها را با کار و دستاوردهای منحص علمی و تکنیکی آشناتر میسازد . شمار موسسات تحصیلی و مراکز آموزش عالی در حال افزایش است . با رشد علم و تکنیک در اتحاد شوروی ایگانات و عرصه های فراگیری و کاربرد آن برای جوانان و عموم خلقی گسترده تر میشود . نمونه ذکر شده در سخنرانی رفیق گارباچف در کنفرانس ۲۰ کا مسامول دربارره اختراع کامپیوتر با ظرفیت عمل در ثانیه توسط دانشجویان و محققین جوان شوروی با شاخص غرور انگیز از پیشرفت آموزش علمی و فنی در اتحاد شوروی است .

• ما همچنان افشاگری جنایات رژیم و هدایت و سازماندهی مبارزه جوانان علیه جنگ و تلاش دیکتاتور را درمدر وظایف خود میبینیم . ما تلاش خواهیم داشت با تقویت فعالیت تبلیغی افشاگری خواهیم با انعکاس همه جانبه تر و سریعتر مسایل و مبارزات جوانان و با طرح بموقع شعارها و رهنمودهای درست ، " پیشگام " بطور موثرتری در خدمت بسیج مبارزات جوانان قرار گیرد . تا مین این هدف برای تقویت پیشگام بمثابه نشریه انقلابی جوانان ایران اهمیت فوق العاده ای دارد .
 افشای ماهیت پلید و ضد خلقی ارتجاعی آخوندی ، سرمایه داری و امپریالیسم و مقابله با اشاعه خرافات ، افکار و ایدیه های ارتجاعی و گمراه کننده آنان در میان جوانان ، و وظیفه بسیار مهمی است که " پیشگام " تلاش میکند علیرغم صفحات محدود خود بدان پاسخ گوید و راهبر جوانان به اندیشه های علمی و انقلابی و مشرر خلل ناپذیر بیروزی کارگران و زحمتکشان ایران باشد و آئینه روشن جوانان را در تحقق اهداف جنبش انقلابی خلق و در پیروزی سوسیالیسم در میهن ما به آنان نشان دهد .

تقویت جنبه سازمانگرا نه نشریه ، راستی از دیگر مورد توجه ما است . این امر ویژه سیاسی ضربات رژیم و قطع بسیاری از ارتباطات سازمانی اهمیت بیشتر از گذشته یافته است . نشریه پیشگام تلاش میکند بتواند مسایل اساسی مربوط به سازمانگری مبارزه انقلابی را در اختیار واحدهای جوانان و هسته های مخفی پیشگام که چندی است رهنمودهای تشکیل آن داده شده قرار دهد . پیشگام تلاش میکند ضمن بازتاب آستانها و مبارزات شده وسیع جوانان و دانشجویان کشور و پرجمداری فعال از حقوق دموکراتیک آنان بیشتر از پیش متوجه دفاع بیکرانه از حقوق خواستهای زحمتکشان و در درجه اول کارگران جوان باشد . سیمای نشریه بگونه ای باشد که هر کارگر و زحمتکش جوان آنرا آئینه واقعی و پاسخگویی دردها و مصایب خود بداند .

انجام بسیاری از این وظایف بدون پشتیبانی و همکاری فعالان رفقای جوان فدایی ناممکن است . نشریه پیشگام در پیشبرد وظایف انقلابی خود اساساً بر این همکاری و پشتیبانی متکی است .

آموزش در ...

بقیه از صفحه ۸ دریافت میدارند .
 کارگران یکروزه کار میکنند میتوانند در کلاسهای شبانه شرکت کنند و برای جوانانی که به رشته های خاصی علاقه بیشتری دارند ، دوره تحصیلات فنی و تخصصی وجود دارد و آنها میتوانند آنرا در رشته مشخص تحصیلات متوسطه را به اتمام برسانند .

در سال تحصیلی ۱۹۸۲ - ۱۹۸۵ در کشور شوروی ۸۹۲ مرکز آموزش عالی و ۴/۵ هزار موسسه تکنیکی و فنی وجود داشت . در مجموعه این مراکز و موسسات ۱۰۶ میلیون نفر به تحصیل مشغول بودند که ۵/۳ میلیون شان دانشجوی بوده اند . تعداد اشخاص دارای تحصیلات عالی و متوسطه در هر ۱۰۰۰ نفر ، در سال ۱۹۳۹ ، ۱۰۸ نفر و در سال ۱۹۸۴ به ۶۸۶ نفر بالغ میشد . علاوه بر این سال از هر ۱۰۰۰ نفر ۱۹۱ نفر نیز دانشجوی بوده اند . (این رقم در ایران ۴۷ نفر است) کارگران و کالوزیان از ایگانات وسیع آموزشی برخوردار می باشند . ۸۲/۵٪ کارگران ۶۹/۵٪ دهقانان کالوزی دارای

به استقبال هفتادمین سالگرد انقلاب کبیرا کتبر



آموزش در اتحاد شوروی

یکی از نتایج بزرگ انقلاب اکتبر و پیروزی سوسیالیسم در اتحاد شوروی ریشه کنی بیسوادی و تجهیز توده های میلیونی زحمتکشان با کما میا بیبا و دستاوردهای علمی و فرهنگی است. در سال ۱۹۵۹ بیسوادی در اتحاد شوروی کاملاً ریشه کن گردید. این امر در مقایسه با روسیه قبل از انقلاب که مردم آن بیسواد بودند، انقلابی عظیم در عرصه فرهنگی بود. تعداد اهالی بیسواد در آسیای میانه و قزاقستان در قریب از انقلاب از ۲ الی ۸ درصد متجاوز نبود. در آنجا حتی یک مرکز تحصیلات عالی وجود نداشت، حال آنکه اکنون در این جمهوریها ۱۲۶ مرکز تحصیلات عالی وجود دارد که در آنجا ۷۳ هزار دانشجو درس میخوانند. این جمهوریها از نظر شاخص های آموزشی اکنون جلوتر از انگلستان، ایتالیا، کانادا، آلمان، فرانسه و ژاپن قرار دارند. طی سالهای حکومت شوراهای پیش از ۴۰ ملیت شوروی که در سابق از خود خط نداشتند، ماحیط خط شده و امکان یافتند فرهنگ خود را اعتلا دهند و کادرهای ملی متخصص دارای تحصیلات عالی و متوسطه، تربیت کنند. در کشور شوراهای تحصیل همگانی اجباری و رایگان است. سیستم آموزشی به چند دوره تقسیم میشود. قبل از مدرسه که آخرین سال کودکان و نوجوانان برای دبستان است، دوره ابتدایی، دوره متوسطه و دوره آموزش عالی. تحصیلات بسیار اجباری است، دوره آموزش عالی هم برای همه رایگان است و دانشجویان هزینه تحصیلی نیز از دانشگاه بقیه در صفحه ۷

کنفرانس جوانان و دانشجویان آسیا و اقیانوسیه

با ابتکار " اتحادیه انقلابی جوانان مغولستان " در پایتخت این کشور " اولان باتور " از ۲ تا ۵ تیرماه کنفرانسی با عنوان " جوانان و دانشجویان آسیا و اقیانوسیه در مبارزه برای صلح، امنیت، ترقی و دمکراسی با شرکت نمایندگان ۲۳ کشور آسیایی و ۸ سازمان بین المللی برگزار شد. از کشور نامتایند شده سازمان جوانان بیشگام ایران و سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران در این کنفرانس حضور داشتند. نماینده جوانان بیشگام در جریان بحث و گفتگوهای این کنفرانس با اهمیت منطقه ای، مصالحه های مطبوعاتی و دیدار با هیئت نمایندگی سایر کشورها به تشریح اوضاع میهن مان شرایط زندگی جوانان و مبارزه آنان در راه صلح و آزادی پرداخت. سازمانهای جوانان و دانشجویان آسیا و اقیانوسیه در قطننامه پایان کنفرانس تأکید کردند: " جنگ خانمانسوز و مخرب ایران و عراق که سبب ویرانی های عظیمی شده است، موجب نگرانی عمیق ما است. " ضمن محکوم کردن سیاست های مداخله جویانه و جنگ افروزان امپریالیسم امریکا در منطقه خلیج فارس، خواهان قطع فوری جنگ و برقراری صلح عادلانه و دمکراتیک بین دو کشور شدند. شرکت کنندگان در کنفرانس همچنین همبستگی رزمجویانه خود را با دانشجویان همرزم خود و سایر اقشار مردم که در شرایط دشواری در میهن ما مبارزه و یگاری میکنند، اعلام داشتند.

پیش بسوی ۱۵مین کنگره اتحادیه بین المللی دانشجویان

۱۵مین کنگره " اتحادیه بین المللی دانشجویان " آبان ماه امسال در هاوانا پایتخت کوبای سوسیالیستی برگزار خواهد شد. برای تدارک این کنگره با اهمیت، نشست های منطقه ای در قاره های مختلف برگزار شده و میشود. نماینده گان سازمان دانشجویان بیشگام ایران و سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران در جلسه آسیایی تدارک کنگره شرکت کردند و نقطه نظرها ی خود را در مورد برگزاری آن اعلام کردند. از جمله مواد دستور کار کنگره اخیر، گسترش همکاری های اتحادیه بین المللی دانشجویان با سایر سازمانهای دانشجویی، شرکت سازمانهای دانش آموزی در فعالیتهای و بررسی فعالیت ۴ سال گذشته آن است. دبیرخانه در آستانه ۱۵مین کنگره خویش دانشجویان سراسر جهان را فراخواند تا مبارزه برای صلح، دمکراسی و ترقی اجتماعی را در میهن خود و در سطح جهان گسترش دهند. راستگر مطمئنی بسیاری همسنگی و پشتیبانی مبارزات عادلانه خویش بدانند و از همه دانشجویان مبارز با اندیشه ها و عقاید گوناگون دعوت کرد تا در راستای اهداف مشترک شان با یکدیگر متحد شوند و همکاری و اتحاد عمل نمایند.

کره جنوبی و اعتراضات دانشجویی

از زمانه خرداندانه بدنبال تحصیلات ۳۰۰ دانشجوی کره جنوبی در کلیسای اصلی شهر سئول دور تازه ای از تظاهرات علیه رژیم دیکتاتوری " چون تزهوان " آغاز شد. ویژگی تظاهرات این دوره آن است که علاوه بر جوانان و دانشجویان اقتدار و گروههای مختلف اجتماعی وسیع در آن شرکت دارند و تعداد تظاهر کنندگان گاه به یک میلیون نفر میرسد. هر بار که تظاهرات دانشجویان با شعار " سرنگون یاد دیکتاتوری " و سرود " ما پیروز خواهیم شد " آغاز میشود، هزاران کارگر، کارمند، کسبه و... به آنان پیوسته و علی بنده دیکتاتوری شعار میدهند. تظاهر کنندگان خواستار اصلاح قانون اساسی، رفرم در انتخابات، آزادی زندانیان سیاسی و آزادیهای دمکراتیک هستند. در تظاهرات وسیع اخیر هزاران نفر دستگیر و یک دانشجو کشته شد. اما پلیس موفق به سرکوب تظاهرات نشد. مقاومت مردم همچنان ادامه دارد. مرگ دانشجوی مزبور خشم و نفرت بیشتر مردم را برانگیخته و اوج و شدت تازه ای به اعتراضات بخشیده است.

کره جنوبی آستان تحولات تازه ای است و آنچه مسلم است آن است که مبارزه مردم به حکومت دیکتاتوری در کره جنوبی پایان خواهد داد.

آدرس :
Pf. 10
1091 WIEN
AUSTRIA
اتریش

مرگ بر امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم آمریکا!